خبرها

بحران زندگی اجتماعی

نقطه عطف- علم، جامعه و فرهنگ بالنده
نویسنده: فریتیوف کاپرا
ترجمه: محمد گوهری نایینی
ناشر: روشنگران و مطالعات زنان
سال چاپ: ۱۳۸۵

«نقطه عطف» نام کتابی است به قلم فریتیوف کاپرا که در ۳۴۴ صفحه توسط محمد گوهری‌نایینی تلخیص و ترجمه شده و انتشارات روشنگران و مطالعات زنان آن را منتشر کرده است. کاپرا در این کتاب بحران نظامی گری، آلودگی محیط زیست، بیکاری، تورم و آسیب‌های اجتماعی را از دو جهت ریشه‌یابی می کند: طرز فکر آدمیان و ساختار شبکه‌های روابط اجتماعی. به عقیده کاپرا از هنگامی که فرهنگ یگانه راه شناخت حقیقی جهان را در علم خلاصه کرد و علم نیز نگاهی مکانیکی به جهان افکند و تنازع بقا را شرط حیات انسان و حیوان دانست، بحران در متن زندگی ریشه دوانید. از یک جهت بنا به اعتقاد کاپرا می‌توان مبانی بحران جهان معاصر را در قالب نظام مردسالار جست‌وجو کرد. مردسالاری زن را مظهر طبیعت دانست و فرهنگ را نماد مردانگی، مامور تسخیر و اعمال سلطه بر طبیعت ارزیابی کرد. در این صورت هماهنگی با طبیعت از میان رخت بربست و عقل مذکر با نگاه جزیی‌نگر خود، جهان را به سوی عدم توازن و تخریب پیش برد. کاپرا معتقد است حتی نظریه ماتریالیسم تاریخی که در ادامه تکامل گرایی داروین تضاد طبقاتی را عامل انقلاب و دگرگونی و نوسازی مناسبات اجتماعی می‌داند، دچار بدفهمی است. از این رو او به نظریه صلح‌آمیز فلاسفه چینی تمایل می‌یابد که وفق آن، حقیقت خلقت جهان به جنب و جوش و تحرک متقابل دو قطب ظاهراً متضاد و باطناً هم‌پار یعنی «یانگ مذکر» و «یین مونث» وابسته است. به باور فلاسفه چین، هنگامی که چرخش یانگ به درجه اعلای شکوفایی برسد، یین عقب‌نشینی می کند و نوبت شکوفایی یین می‌رسد و متقابلاً وقتی یین به حد اعلای قدرت دست یابد، به نفع یانگ میدان را خالی می کند و این همکاری و چرخش دائماً استمرار می‌یابد. به نظر کاپرا بحران زندگی اجتماعی- انسانی ناشی از ترجیحی است که طی قرن‌ها برای یانگ قائل شده‌ایم و در نتیجه بی‌توجهی به یین، فرهنگ را به عدم توازن و زندگی را به عدم تعادل کشیده‌ایم. به این جهت تامین مصالح بشری در گرو آن است که جهان خلقت را در تمامیت‌اش به عنوان وجودی کلی در نظر آوریم. کاپرا از دو جهت با منطق حاکم بر فرهنگ مردسالاری به بررسی و نقد علم، جامعه و فرهنگ می‌پردازد: اول او الگوی انتروپی را به فلسفه چینی تعامل یانگ و یین تحمیل می کند و ثانیاً تخریب ناشی از نه به شکلی سیستمی که به نحو انتزاعی را مدنظر قرار می‌دهد. نتیجه چنین تحلیلی نیز دریافت نارسا از تکامل زندگی انسانی- اجتماعی است. در واقع کاپرا در جایگزینی یانگ و یین با انتزاع اثرات منفی عقل مذکر توجه نمی کند که اولاً دگردیسی خصایص مذکر و مونث در نهاد آدمی با شرایط اجتماعی می‌تواند برهه‌ای از بلوغ بشریت باشد و ثانیاً عقل مذکر در این بلوغ بی‌حمایت و تربیت خرد زنانه در شرایط عینی و تاملات ذهنی راه به جایی نمی‌برد. به علاوه این انتزاع گرایی حاکم بر فرهنگ مردسالار است که کاپرا را وامی‌دارد عقلانیت را مخرب بداند و دستاورد عقل را نه طلوع بلوغ خرد که نابودی هستی بینگارد. این با وجودی است که می‌توان به مدد اساطیر پیش‌تاریخ به شالوده‌شکنی همین عقل و فرهنگ مبادرت کرد. در این نگاه سیستمی می‌توان دریافت که چگونه خرد زنانه فرصت تکامل به عقل مذکر اعطا نمود و در طول حاکمیت ظاهری مردسالاری، روحیه حمایت و پرورندگی کودک بشریت را هیچ‌گاه از دست ننهاد. همچنین اگر از تجلی مدیریت‌های کلان تاریخی زنان در سطوح مختلف ملی بگذریم، اما نمی‌توانیم خودآگاهی عقل مذکر را در تامین منافعش از رهگذر به‌کارگیری همین نیمه فراموش شده جامعه در فرآیند توسعه پایدار مورد غفلت قرار دهیم. این بدان معنا است که در پویش تاریخ، عقل مذکر برهه‌ای از خودآگاهی را پشت‌سر گذاشته تا به خرد مورد نظر روح زنانه هستی تقرب یابد. دستمایه این گذار همان عقلانیت بوده است و در این صورت دیگر نمی‌توان به جنبه منفی و تخریبی عقل حکم کرد، بلکه باید از دستاوردهای مثبت این دگردیسی در پرتو خردمندی زنانه زندگی خبر داد.

تاریخ اوش

شرق: یکی از تازه‌ترین کتاب‌های مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی کتاب «تاریخ اوش» نوشته دو نویسنده روسی به نام‌های «گالیتسکی و پلوسکیخ» است که از سوی میترا نظریان ترجمه شده است. کتاب ترجمه‌ای است از کتابی به همین نام به زبان روسی که در سال ۱۹۸۷ در شهر بیشکک چاپ شده است. منطقه اوش، مرکز ایالتی در جمهوری قرقیزستان و قدیمی‌ترین شهر آن است. در هزاره اول یکی از شاخه‌های جاده معروف ابریشم (که شرق را به غرب متصل می‌ساخت) از اوش عبور می‌کرده و این شهر از لحاظ بزرگی و وسعت در فرغانه، سومین شهر به‌شمار می‌آمده است. اوش در مرکز کوچ‌نشین قرقیزستان جنوبی قرار داشته و مرکز تجاری- گلوگاهی جاده در مسیر آسیای مرکزی به چین و هند بوده است. پیش از ۱۹۱۷ میلادی برای گردآوری اطلاعاتی درباره تاریخ سرزمین اوش، کار تخصصی و ویژه‌ای صورت نگرفت، تنها در بروشورهای سرزمین‌شناسی، درباره گذشته طولانی و چندقرنی این شهر به مختصر مطالبی اشاره شده است. تا ۱۹۱۷ این بروشورها اولین کوشش ناچیز برای بازسازی صفحات تاریخ اوش باستانی، اوش قرون وسطایی و اوش کنونی بود که تنها صورتی از گزارش داشت. در منطقه‌ای از شهر هرساله فعالیت‌های باستان‌شناسی آن گسترشی روزافزون دارد. کتاب شامل چهار فصل است. کتاب تاریخ اوش در ۱۳۲ صفحه و با قیمت ۱۲۰۰ تومان در ۵۰۰ جلد انتشار یافته است.

تصحیف غرب زدگی
نشر نامک
«در جستجوی هویت ملی»
تألیف دکتر محمد بقایی (ماکان)
یونان زدگی یعنی غرب زدگی، از همان نخستین سده‌های اسلامی مورد هجوم و انتقاد اندیشمندان ایرانی قرار گرفت که البته به معنای مخالفت با مردم یونان و انسان غربی نبود. مقابله با سلطه غرب نیز به معنای رویارویی با تعالیم دینی نبود که اگر می بود دینی باقی نمی‌ماند. بنابراین آنچه از آغاز مورد مخالفت و مقابله فرهنگ ایرانی قرار گرفت رویارویی با هر نوع بیگانه زدگی بود، خواه یونان زدگی، خواه شرق زدگی، خواه غرب زدگی، که با یک تصحیف مختصر می شود عرب زدگی.
فروش در کلیه کتاب فروشی‌های معتبر
پخش: ۶۶۹۵۴۵۷۲

برندگان و بازندگان توسعه اقتصادی جهان

مروری بر کتاب «ثروت و فقر ملل»

تدوین: غلامرضا گودرزی

شاید یکی از جنجال‌برانگیزترین مباحث علمی در حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی، جستارهایی باشند که در حیطه اقتصاد سیاسی پیرامون ثروت و فقر ملل ارائه شده‌اند. در این میان اختلاف آرا و تضاد نظریه‌ها آنچنان گسترده و عمیق است که پل زدن از یک نظریه به نظریه دیگر و برقراری پیوند میان گزاره‌های متعدد و متنوع، دستگاه‌های نظری - روشی بسیار مشکل می‌نماید. تحلیل ساختاری علل و عواملی که باعث فقر برخی جوامع و ثروت برخی دیگر شده‌اند، آن هم در بازه زمانی حداقل هزار ساله، کاری بس سترگ و پیچیده است. لندز از جمله معدود دانشمندانی است که موفق شده است با تحلیل تاریخی به بررسی سیر تحول ساختار اقتصادی جوامع شرقی و غربی در گستره زمانی تقریباً هزار ساله‌ای بپردازد. کار کم‌نظیر او در کتاب اخیرش از ویژگی‌های ممتاز و تامل‌برانگیزی برخوردار است که از جمله آنها است:

۱ - رویکردی تاریخی به موضوعات توسعه اقتصادی و بسنده نکردن به اطلاعات آماری و کمی، به گونه‌ای که تحلیل‌های وی بیشتر جنبه‌های نظری پیدا می کند و فقط ارائه آمار و ارقام اقتصادی نیست.

۲ - مطالعه تطبیقی و دقیق درباره علل فقر و ثروت ملل به شکلی که بتوان به مقایسه چگونگی روند توسعه اقتصادی و فنی در کشورهای مختلف پرداخت.

۳ - تسلط نویسنده بر نظریه‌ها و مکاتب مختلف اقتصادی و اجتماعی و نقد علمی آنها و ارائه چشم‌اندازی بدیع در خوانش دوباره تحولات اقتصادی جهان که روی هم رفته اثر را برای خواننده جذاب می کند.

۴ - شیوه نگارش روان و بیان ساده مفاهیم پیچیده اقتصادی و اجتماعی بدون خدشه وارد شدن به اصل مفاهیم از برجستگی‌های دیگر کتاب است.

۵ - کتاب لندز سرشار از سخنان روشنفکرانه، یا به تعبیر ما ایرانیان حکیمانه است. به این جملات بنگرید: «اسطوره‌ها هنگامی که ساخته و پرداخته شدند، به آسانی نمی‌میرند و فراموش نمی‌شوند.» (ص ۸۵) و یا «در حکومت‌های استبدادی ثروتمند بودن، بدون قدرت خطرناک است.» (ص ۴۸۰) و «شما می‌توانید بعضی از کاسب‌کارها را بعضی وقت‌ها فریب دهید؛ سیاست‌پیشگان را بیشتر وقت‌ها و رای‌دهندگان را تقریباً همیشه... وعده‌های انتخاباتی را نباید زیاد جدی گرفت.» (ص ۵۱۹) و...

و صد البته آنچه گفته شد به معنای بی‌عیب و نقص بودن کتاب لندز نیست، همان‌گونه که کتاب‌های دیگر نیز بی‌عیب و نقص نیستند. آنچه مهم است خوب گوش کردن، خوب یاد گرفتن، خوب فهم و تفسیر کردن و سپس خوب نقدکردن است؛ کاری که به عهده اهل فن و صاحبان نظر است. به علاوه ترجمه بسیار موفق دکتر ناصر موفقیان در برگردان و انتقال مفاهیم علمی به زبان فارسی نباید نادیده گرفته شود.

■■■

«علل و عوامل فقر و ثروت ملل را باید مهمترین موضوع همه جستارهایی دانست که در زمینه اقتصاد سیاسی به عمل می‌آید.»

«[بخشی از] نامه ۲۶ ژانویه ۱۸۱۷ مالتوس به ریکاردو»

این اولین عبارت کتاب «ثروت و فقر ملل، چرا بعضی‌ها چنان ثروتمندند و بعضی چنین فقیر؟» اثر دیوید اس. لندز استاد افتخاری تاریخ و اقتصاد در دانشگاه هاروارد و نویسنده کتاب‌های «انقلاب در زمان» و «پرومته از بند رسته» است. هدف لندز از نگارش این اثر آنگونه که خود به تصریح گفته است: «ترسیم و تفهیم جریان اصلی پیشرفت اقتصادی و امروزین شدن جامعه‌ها است.» (ص ۱۱)

برای تحقق چنین هدفی، با رویکردی تاریخی، حجم انبوهی از منابع و مراجع مهم را مرور کرده که تنها فهرست آنها بالغ بر ۱۰۹ صفحه است. (البته این فهرست منابع به خاطر کاستن از حجم کتاب از انتهای اثر حذف شده است) لندز با شرکت در صدها همایش علمی - تخصصی در حوزه‌های اقتصاد، توسعه و علوم اجتماعی در سراسر جهان و سابقه طولانی تدریس در دانشگاه‌های معتبر غرب و تسلط بر نظریه‌های تاریخ اقتصادی و توسعه اقتصادی به خوبی توانسته است از عهده بررسی دقیق سیر تحول تاریخ اقتصادی جهان برآید و با ارائه تحلیل‌هایی ظریف و متقن، که اغلب نتیجه گفت‌وگوهای پردامنه و مستمر با نخبگان علمی- از جمله کنت آرو، میلتن فریدمن، جورج استیگلر، رابرت سالو (چهار برنده جایزه نوبل) - بوده است، روشی نو را در بررسی‌های اقتصادی سیاسی امروز پیش نهد. کتاب حجیم «ثروت و فقر ملل» (۶۴۰ صفحه)، علاوه بر یادداشت مترجم، سخن ناشر، پیشگفتار و سپاسگزاری‌ها و درآمد شامل ۲۹ فصل است.

در زیر صرفاً به مرور چند فصل اول این کتاب می‌پردازیم.

فصل اول با عنوان «نابرابری‌های طبیعت» تاملی است بر دیدگاه‌هایی که شرایط جغرافیایی، به ویژه آب و هوا، را بر توسعه انسانی تاثیرگذار می‌دانند. بنابر چنین نظریه‌هایی (از جمله نظریه الزورث هانتینگتون) مختصات فرهنگی، روانی و اقتصادی جوامع در ارتباط با ویژگی‌های اقلیمی و محیط زیستی آنها مورد تعبیر و تفسیر قرار می‌گیرند و چون اقلیم‌ها با هم متفاوت‌اند لذا نابرابری‌هایی در توسعه جوامع دیده می‌شود. لندز ضمن نقد چنین دیدگاه‌هایی، جغرافیا و شرایط اقلیمی را فقط به عنوان یک عامل و نه بیشتر در نظر می‌گیرد و می‌گوید: «اشتباه خواهد بود اگر شرایط جغرافیایی منطقه را فرمان سرنوشت بدانیم. تاثیرات جغرافیایی را می‌توان کاهش داد یا دفع کرد.» (ص ۲۴)

«پاسخ‌هایی به جغرافیا: اروپا و چین»، عنوان فصل دوم، مروری است بر تفاوت‌های اروپا و چین در برخورد با طبیعت و انقلاب کشاورزی و تفاوت‌هایی که در اثر اختلاف اقلیم در شیوه معیشت و فرهنگ آنها بروز کرده است. مولف با نگاهی گذرا به نظریه «استبداد شرقی» و تیفوگل به تفاوت‌های سیستم حکومت در کشورهای شرقی و اروپا اشاره کرده است و تاثیر و نقش آن را بر تحولات اقتصادی بعدی بررسیده است.

ادامه این بررسی‌ها در فصل ۳ به «استثنای اروپایی: مسیری جداگانه» انجامیده است. در اروپا برخلاف چین و مشرق‌زمین رقابت برای کسب قدرت به پیدایش شهرهای نیمه‌مختار انجامید و اختیارات مدنی شهرها و شهروندان به رسمیت شناخته شد و شکاف بین امور مذهبی و دنیوی راه را برای پیشرفت علوم تجربی و تکنولوژی گشود. ویژگی‌های طبقات اجتماعی در اروپا به گونه‌ای بود که کشاورزان آزاد و شهرنشینان (بورژواها) دشمنان طبیعی اشرافیت زمین‌دار بودند و با کمال میل از پادشاه و دیگر اشرافیان بزرگ در مبارزه بر ضد اربابان محلی و منطقه‌ای پشتیبانی می‌کردند. (صص ۵۵ - ۵۲) و باید توجه داشت هر کجا که قدرت تقسیم شود و دگرسانی پذیرفته شود استعدادها شکوفا خواهد شد. در سرزمین‌های شرقی تمرکز قدرت و ثروت در یک نهاد، راه را بر هر گونه رقابت سالم و معقول اقتصادی و سیاسی بسته بود.

«اختراع اختراع» عنوان فصل ۴ کتاب است. در این فصل نقش تاثیرگذار برخی از تکنولوژی‌های به ظاهر ساده، ولی بسیار مهم و تعیین‌کننده مانند: ۱ - چرخ آب ۲ - عینک ۳- ساعت مکانیکی ۴ - چاپ و غیره در پیشرفت جوامع و توسعه تقسیم کار اجتماعی و به دنبال آن رشد اقتصادی و صنعتی مورد بررسی قرار گرفته است. سئوالی که در این فصل مطرح می‌شود، این است که چرا چین که در بسیاری از تکنولوژی‌ها در قرون وسطی پیشگام بود از توسعه باز ماند و نتوانست همگام با اروپا در صنعت و تکنولوژی پیش رود. لندز برای پاسخگویی به این سئوال به سه عامل تاثیرگذار حکومت (سیاست)، ارزش‌های مذهبی و سامان‌های اجتماعی و روابط اقتصادی اشاره می‌کند. نبود بازار آزاد و حقوق نهادینه شده مالکیت، محصور ماندن تقریباً کامل زنان در خانه، کنترل تمامیت گرایانه دولت بر تمام امور جامعه و... باعث شده بود که چین نتواند در عرصه پیشرفت اقتصادی و صنعتی پیشتاز باشد. برعکس در اروپا «اصلاح مذهبی»، رقابت طبقات اجتماعی در حوزه اقتصاد و سیاست، تشویق نوآوری‌ها و ابتکارات تازه، ترویج مفهوم خطی زمان به جای مفهوم چرخه‌ای آن که نیکبختی و پیشروندگی را ترغیب می‌کرد (ص ۸۰) و از همه مهمتر کسب و کار و دادوستد آزاد، موجب فرآیندهای رشدیابنده در زمینه‌های مختلف توسعه‌یافتگی شد.

«ثروت و فقر ملل»
دیوید اس. لندز
ترجمه: دکتر ناصر موفقیان
انتشارات گام نو
زمستان ۱۳۸۴

فصل ۵ با عنوان «گشایش بزرگ»، به ورود اروپائیان در ۵۰۰ سال پیش به قاره جدید (آمریکا) اشاره می‌کند. در این فصل از یک سو برتری‌های تکنولوژیک اروپا و در نتیجه سفر کردن به اقصی نقاط جهان با کشتی‌های بزرگ بررسی شده است و از دیگر سو رقابت بین برخی از قدرت‌های اروپایی در تصرف سرزمین‌های تازه کشف شده ترسیم شده است. اسپانیا که در توسعه و پیشرفت در اوایل عصر جدید پیشگام بود و توانسته بود پیشتاز کشورهای اروپایی در دستیابی به سرزمین‌های جدید باشد، در اثر «ناشکیبایی و تعصب مذهبی در داخل کشور» (ص ۱۰۳) و تعقیب دگراندیشان و آزار و اذیت آنها، عملاً با فلج کردن توانایی‌های خود از گردونه رقابت و توسعه باز ماند. جهانگردی و دریانوردی اروپائیان به سواحل و سرزمین‌های آمریکا محدود نشد. در قرن پانزدهم میلادی سیاست «پیش به سوی شرق» در سرلوحه سیاست‌های اقتصادی اروپائیان قرار گرفت.

«پیش به سوی شرق» عنوان فصل ۶ کتاب لندز است. در ابتدای این فصل با استراتژی پرتغالی‌ها در سفر به سمت اقیانوس هند و رقابت آنها با رقیب همیشگی شان اسپانیا، آشنا می‌شویم. پرتغالی‌ها با تجربه‌اندوزی و عمل کردن از طریق آموختن توانسته بودند بر بسیاری از نقاط جهان مسلط شوند. آنها در روش‌های جهان‌نگاری و تنظیم جستارهای منظم و روشمند در حوزه‌های مردم‌شناسی و جمع‌آوری اطلاعات، بسیار متبحر بودند و توانستند در علم جغرافیا و ثبت و ترسیم نقشه‌ها به پیشرفت‌های مهمی برسند. مولف در فصل ۷ «از اکتشافات تا امپراتوری»، به بررسی تاثیر رشد تکنولوژی‌ها در پیدایش امپراتوری‌های جدید پرداخته است. در حقیقت برتری تکنیکی اروپائیان (اسپانیا، پرتغال و هلند) باعث شد که بر امپراتوری‌های سابق و تمدن‌های کهن، مانند امپراتوری اینکا و امپراتوری آزتک در آمریکای جنوبی و مرکزی مسلط شوند و آنها را مضمحل کنند.

فصل ۸ «جزایر تلخ و شیرین» که در واقع ادامه فصل پیشین است، به چگونگی پیشی گرفتن انگلیس و سپس فرانسه از اسپانیا و پرتغال در کشورهای آمریکایی می‌پردازد. توضیحات نویسنده پیرامون صنعت نیشکر و نقش بردگان آفریقایی در آمریکا که توسط اروپائیان به آن سرزمین گسیل داده شده بودند، خواندنی و حائز اهمیت است. به نظر لندز «تجارت برده فقط بخشی از مجتمع بازرگانی بزرگتری بود که به طور معمول آن را بازرگانی مثلثی می‌نامیدند و امروزه آن را «نظام آتلانتیک» می‌گویند.» (ص ۱۵۲) در ادامه لندز به اهمیت دگرگونی‌های بنیانی در زمینه انرژی (زغال سنگ و موتور بخار) و ذوب فلزات (ذوب آهن به وسیله کک) که به میزان زیادی مستقل از نظام آتلانتیک بودند و موجبات برتری صنعتی اروپا را فراهم کردند، اشاره می‌کند.

«امپراتوری در شرق» عنوان فصل ۹ کتاب است. در این فصل ابتدا موفقیت‌های پرتغال به‌رغم جمعیت اندک و کوچکی سرزمین آن در ساختن یک امپراتوری فراگستر که «از برزیل در غرب تا جزایر ادویه و ژاپن در شرق» را دربر می‌گرفت، بررسی شده است. به نظر نویسنده پرتغالی‌ها مردمانی «واقع‌بین و اهل عمل» و دارای قابلیت‌های فراوان «در بسیج و بهره‌برداری از آخرین اطلاعات و تکنیک‌های موجود» بودند. (صص ۱۵۸- ۱۵۷) و با جذب نیروهای کاردان صاحب سرمایه به داخل کشورشان در امر توسعه از دیگران پیش افتادند اما این پیشتازی چندان دوام نیاورد به طوری که رقیبان تازه‌نفس و جدی‌تری همچون هلندی‌ها و انگلیسی‌ها در قرن هفدهم بسیاری از سرزمین‌های تحت سلطه امپراتوری پرتغال را به تصرف خود درآوردند و آنها را در عرصه رقابت‌های بین‌المللی ناکام گذاشتند. سپس نگارنده با بررسی چگونگی ظهور و سقوط امپراتوری‌ها در قرون جدید پرداخته است. به نظر وی رمز و راز قدرت‌یابی یا شکست‌ها ریشه در تولید و استفاده صحیح از تکنولوژی‌های جدید دارد، به گونه‌ای که هرگاه کشورها بتوانند در زمینه‌های صنعتی رشد یابند بهتر می‌توانند به تعامل و رقابت با دیگران بپردازند.

«به عشق سود» عنوان فصل ۱۰ به واقع ادامه سیر رقابت کشورهای اروپایی در دستیابی به ثروت‌های جدید را پی می‌گیرد که این بار سخن با نگاهی به هلند و فعالیت‌های اقتصادی آن در قرن هفدهم آغاز می‌شود. هلندی‌ها در بازرگانی و صنعت و به کارگیری کشتی‌های دریاپیما تبحر خاصی داشتند و توانستند با اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها به رقابت برخیزند. اما سروری آنها چندان دوام نیاورد چرا که این بار انگلیسی‌ها رو به سوی «معدن ثروت» نهادند و از دیگر رقبا پیش افتادند. «معدن ثروت» عنوان فصل ۱۱ همان هندوستان بود. هند سرزمینی وسیع و حاصلخیز بود که از دیرباز مورد توجه اروپائیان واقع شده بود. انگلیس با تشکیل کمپانی هند شرقی برتری و ابتکار عمل را در عرصه بازرگانی و صنعت در دست گرفت و با گسترش حوزه نفوذ خود تا شمالی‌ترین نقاط هندوستان عملاً تمام کشور را به زیر سلطه خود برد. این پیشتازی حاصل برتری‌های مدیریتی و صنعتی بود که انگلیسی‌ها در قرن هجدهم و نوزدهم به آن دست یافته بودند. لندز در فصل بعدی، فصل ۱۲ «برندگان و بازندگان: ترازنامه امپراتوری» به علل و عوام داوم و یا انقراض امپراتوری‌ها پرداخته است. وی به طور مشخص بر عواملی چون مذهب، اهمیت کار و سرمایه و ابتکارات صنعتی اشاره کرده است. به نظر لندز در کشورهایی که تعصبات مذهبی شدید بود و کار اهمیت چندانی نداشت و رژیم‌های حاکم بر آنها سختگیر و غیرمنعطف بودند، لاجرم در صف بازندگان عرصه سیاست و اقتصادی قرار گرفتند و بر عکس کشورهایی که برای آنها کار بیشتر از ثروت و کسب درآمد بیشتر از پول داشتن، اهمیت داشت و از تعصبات مذهبی و رژیم‌های سختگیر در آنها خبری نبود، در جناح برندگان واقع شدند. نمونه کشورهای بازنده اسپانیا بود و نمونه کشورهای برنده انگلیس.

تلنگری برای آینده

درباره «ثروت و فقر ملل»

مجید یوسفی: پل ساموئلسن معتقد است که هیچ گونه نور تازه‌ای بر این موضوع ابهام‌آمیز نتابانیده‌اند که کشورهای فقیر چرا فقیرند و کشورهای ثروتمند چرا ثروتمندند. موضوع مهمی که در سال‌های قرن بیستم شاید یکی از مهمترین دغدغه‌های بشری بوده است. خاصه پس از آنکه کشورهای توسعه‌یافته در نیمه دوم قرن بیستم چنان شتابی به توسعه خود بخشیدند که کمتر ملل عقب‌مانده‌ای تصور دستیابی به آن حد از استانداردهای موجود را در ذهن خود متبادر کرده است.

دیوید س. لندز در این کتاب با پرسش‌هایی که آشکارا مبین آن است که میزان فاصله کشورهای دارا و ندار طی سه قرن اخیر به شدت افزایش یافته است می‌خواهد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که راز کشورهای فقیر و ثروتمند چیست؟ پرسش‌هایی نظیر چرا انقلاب صنعتی در اروپا رخ داد و در قرن هجدهم؟

چرا انقلاب صنعتی در هند روی نداد؟ حال آنکه در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ هند مهمترین صنعت نساجی جهان را دارا بود و از نظر کیفیت و تنوع رقیب نداشت و بخش مهمی از تولیدات خود را به آسیا و اروپا هم صادر می‌کرد. چرا ایتالیا که در قرن ۱۶ در صف مقدم انقلاب بازرگانی قرار داشت از گردونه پیشرفت بیرون رانده شد؟ چرا اسپانیا و پرتغال که بانی و باعث کشف قاره آمریکا بودند، در پایان کار بازنده از آب درآمدند و مرکز ثقل توسعه صنعتی و اقتصادی به شمال اروپا منتقل شد؟

و ده‌ها پرسش دیگر که پس از سه قرن از انقلاب صنعتی هنوز پاسخ‌های درخوری برای آن یافت نشد.

دیوید س. لندز استاد تاریخ و اقتصاد دانشگاه هاروارد و نویسنده کتاب‌هایی چون انقلاب در زمان و پرومته از بند رسته در این کتاب به زیروبم‌های تاریخ تحولات جهان کنونی می‌پردازد تا به این نتیجه دست پیدا کند که چگونه می‌توان جهانی عاری از تضادها و تناقض‌های دهشتناک آفرید که فقیران و ثروتمندان نه در روبه‌روی هم که کنار هم به زیست خود ادامه دهند و بیش از آنکه درصدد حذف و نابودی هم برآیند به کمک هم به تجربه مفیدی برای جهانی نوین اهتمام ورزند. جهانی که برای ادامه حیات خود نیازمند یک دگردیسی نوین در بقای خود است. شاید به همین جهت گفتارهای لندز بیش از آنکه راهکار عملی برای آینده باشد یک تلنگر و هشدارباشی است برای ساکنان کره‌زمین؛ چه ضعفا و چه صاحبان سرمایه. او می‌گوید بعد از همه حرف‌ها، کشورهای صنعتی ثروتمند، با آنکه سخت تحت فشار رقابت‌های جدید قرار گرفته‌اند، وضع و حالشان بهتر از آن است که نگرانی یا همدردی دیگران را برانگیزند، بنابراین با تمام گرفتاری‌هایی که در پیش رو دارند، باید به طور مستمر و نه از باب مصلحت، خود را در برابر کشورهای ناکام‌مانده متعهد بدانند و از سوی دیگر، تاریخ به ما می‌گوید که موفقیت‌آمیزترین درمان‌ها برای فقرزدایی همیشه از داخل فرامی‌رسد. کمک خارجی ممکن است یاری‌بخش باشد، ولی مانند ثروت بادآورده، ممکن است زیان‌بخش هم باشد زیرا به تدریج تلاش و کوشش را از اهمیت می‌اندازد و به استقرار نوعی احساس ناتوانی می‌انجامد.

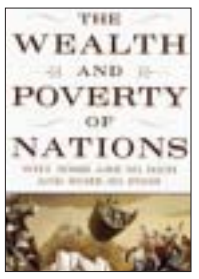

به موجب یک ضرب‌المثل آفریقایی «دستی که می‌گیرد همیشه زیردستی است که می‌دهد» نه، آنچه واقعاً اهمیت دارد کار است، کار و تلاش، شرافتمندی، بردباری، پشتکار و سرسختی، عادت کردن به کمک دیگران، به ویژه در مورد افرادی که به طور دائم با بینوایی و گرسنگی دست به گریبان‌اند، رفته‌رفته به نوعی بی‌تفاوتی خودپرستانه می‌انجامد.

ولی در نهایت امر، هیچ نوع قدرت‌یابی و تقویت موثرتر از خودبسندگی و خودسازی نیست.

دیوید س. لندز در این کتاب در پی آن نیست که با آمار، منحنی و جداول رایج اقتصادی به تحلیل جهان کنونی بنشیند بلکه در پی آن است که با کندوکاوهای عالمانه یا شاید محققانه به پژوهشی دست زند که بتوان در نقاط قوت و ضعف ملت‌ها به تکیه‌گاهی علمی قابل استناد تکیه کرد.

به نظر راقم این سطور نویسنده با چیره‌دستی قابل توجهی به این هدف دست یافته است. چه آنکه در پایان کتاب خواننده آشنا به تاریخ تحولات درمی‌یابد که آنچه باعث رشد و توسعه جهان کنونی شده نگاه به گذشته از منظر پژوهش‌های محققانه و موشکافانه است. نگاهی که لندز به خوبی از پس آن برآمده است.

یادداشت

ریشه زبان ما در متون «فارسی- یهودی»

محسن محمدی

شکل گیری زبان فارسی
نوشته ژیلبر لازار
ترجمه: مهستی بحرینی
تیراژ: ۳۰۰۰
قیمت: ۱۹۰۰
انتشارات: هرمس
سال: ۱۳۸۴

هنگامی که ژیلبر لازار در سال ۱۹۴۸ به مرحله نگارش پایان نامه دکترا رسید استاد راهنمایش پیشنهاد کرد که شکل گیری زبان فارسی را موضوع پایان‌نامه قرار دهد. سرانجام تعدد متن‌های کهن چاپ نشده فارسی او را به تحقیقی گسترده در زمینه نثر دوره ماقبل کلاسیک زبان فارسی واداشت و در پژوهش‌های بعدی مفهوم واقعی آمیزه گویشی موجود در این زبان را دریافت و این تحقیق که نزدیک به پنجاه سال طول کشیده بود سرانجام در سال ۱۹۹۴ به شکل کنونی پایان یافت و به چاپ رسید. مهستی بحرینی نیز آن را در سال ۸۴ به خوبی به زبان فارسی برگرداند تا یکی از اولین متن‌هایی باشد که فارسی ماقبل کلاسیک را گویش‌شناسی جدید می‌کند.

زبان فارسی که قرن‌ها در نیمی از آسیا گفت‌وگو شده و از ادبیاتی هزاران ساله برخوردار است در این کتاب طی مقالاتی که از چندین سال تاکنون روند پژوهش لازار را نشان می‌دهند تحلیل گویش‌شناختی شده و روند تکوین آن شناسایی شده است، او در ابتدا بهترین نتیجه‌ای که از بررسی دقیق نثر دوره اول زبان فارسی به دست آورده ویژگی گویشی نواحی مختلف بود که در مقاله اول گرد آمده است. او شکاف بنیادین عمیقی بین نوشته‌های فارسی- یهودی کهن و فارسی شمال شرقی می‌یابد و همین امر او را وامی‌دارد تا ریشه متون را فارسی- یهودی و در مغرب ایران بداند. در مقاله دوم تحت عنوان: «گویش‌شناسی فارسی- یهودی» مسئله را بیشتر باز می‌کند، او وجه مشترک متون دوره ماقبل کلاسیک فارسی را اختلافشان با ادبیات مکتوب به خط عربی عنوان کرده و ویژگی‌هایی در این متون می‌یابد که بیشتر در گویش کهن شیراز و شهرهای حاشیه کویر وجود دارند، سپس با اشاره به سندی که به تاریخ ۱۰۲۱ میلادی در اهواز به رشته تحریر در آمده است نتیجه‌گیری می‌کند که در واقع منشاء ادبیات فارسی- یهودی کهن به طور عمده جنوب غربی ایران است.

ژیلبر لازار در این کتاب کاربرد واژه‌های پهلوی که بیش از همه باعث سردرگمی می‌شود را نیز بررسی کرده و از آنجایی که برحسب دوره‌ها، نویسندگان و سبک‌ها واژه «پهلوی» می‌تواند به معنای پارتی، فارسی میانه، برخی گویش‌ها و حتی زبان فارسی به کار برده شده باشد صفت «پهلوی» و ترکیب دیگر آن «پهلوانی» را یادآور دوره باستان ایران می‌داند و به کار گرفتن این واژه که از هزار سال پیش به این سو برای نامیدن فارسی میانه به کار برده شده است از همین مفاهیم غیرفنی ناشی می‌شود. اولین کسانی که واژه «پهلوی» را به این معنی استفاده کرده و از فارسی میانه مفهوم زبان کهن را به معنای خاص آن «پارتی» درک کرده بودند به احتمال زیاد در تقابل با خط عربی به خط کهن این نام را اطلاق کرده بودند. لازار در ادامه حتی احتمال قریب به یقین می‌دهد که «پهلوی» در نخستین سده‌های اسلامی هنوز در نظر بسیاری از ایرانیان شکل زبان ادبی‌ای بوده که همه‌روزه بدان سخن می‌گفته‌اند و سپس از همان زمان کم‌کم فارسی را به خط «تازه» در محاسبات یا دیگر نیازهای عملی خود به کار برده‌اند به این ترتیب که خط کهن، خط نوشته‌های اصیل بوده و نوشتار عربی از آن کاربردهای پیش پا افتاده.

زبان ایرانی دیگر «دری» می‌باشد و به سبب اینکه زبان دربار بوده به این نام منسوب شده است. دری ساسانی یکی از صورت‌های گفتاری زبان پارسی و متحول‌تر و رشد یافته‌تر از زبان ادبی موسوم به پارسی بوده است، بنا براین زبان پارسی در ایران دوره ساسانی در کنار این زبان پارتی پهلوی که هنوز در شمال غربی فلات ایران حضور دارد از سویی در قالب زبان رسمی، مذهبی و ادبی پارسی که کتابت می‌شده و یا به صورت گفتاری دری که به خصوص در دربار متداول بوده است به حیات خود ادامه می‌داد. به طور خلاصه در دوره ساسانی زبان گفتاری مشترک دست‌کم به دو گویش تقسیم شده بود: گویش نخست که شامل متون فارسی- یهودی بود و در جنوب به کار می‌رفت و گویش دوم در شمال شرقی متداول بوده و هردو پدید آورنده نخستین متن‌های ادبی فارسی بوده‌اند.

در کتاب حاضر از سویی دیگر تلاش شده تا رابطه میان فارسی- یهودی و فارسی ادبی میانه روشن شود. وجود بسیاری از واژه‌های شناخته شده پهلوی مزدایی در زبان فارسی- یهودی دانشمندان گذشته را بر آن داشته تا از خود بپرس